نبرد خاموش

■ محمد هاشمی

در این میان‌نام خانواده نمازی به صورت مشترک در تمامی فازهای پروژه فشار بر ایران با هدف تغییر سیاست‌ها، دیده می‌شود.

امروز با رصد کردن تحرکات و آرایش جدید دلالان اقتصادی و سیاسی در فضای سایبر صحنه‌پردازی جدیدی قابل رؤیت است که کمترین نتیجه آن واگذاری زیرساخت کسب و کار فناورانه کشور به سرمایه‌داران خارجی است.

***

با توجه به سوابق دلالان اقتصادی و سیاسی فعال شده در حوزه فضای مجازی و با توجه به بنیادهای به اصطلاح خیریه اروپایی و آمریکایی حامی این فعالیت‌ها نظیر کافمن که می‌دانیم هرگز برای مردم ایران دلسوزی نکرده و نمی‌کنند به نظر می‌رسد یک نبرد اقتصادی خاموش در حوزه فضای مجازی به جریان افتاده که دیر یا زود اثرات خود را در زندگی مردم نشان خواهد داد.

چیزی حدود ۱۳ سال پیش اگر درباره فشار بر حاکمیت جمهوری اسلامی به منظور تغییر رفتار و منش انقلابی‌اش از طریق فضای مجازی سخن می‌گفتیم با لبخند مسئولان مواجه می‌شدیم که با نگاهی عاقل اندر سفیه ما را به یکدیگر حواله می‌دادند. اما درست در همان زمان پرونده‌ای به نام وبلاگ‌نویسان رقم خورد. پرونده‌ای که بنیاد هلندی هیفوس دست کم ۱/۵ میلیون دلار خرج اجرای آن کرد[1]، بدون اینکه در داخل کشور هیچ شناخت کافی‌ای از ظرفیت‌های فضای وب و وبلاگ نویسی وجود داشته باشد.

در این فضای بی‌خبری، سیاست «فشار از پایین، چانه زنی در بالا» که سرافکنده از بوته آزمایش عملی در دولت اول اصلاحات بیرون آمده بود در دولت دوم اصلاحات شکل به‌روزتر و تازه‌ای به خود گرفت و به سیاست «فشار از بیرون، چانه زنی در درون» تغییر مسیر داد. بر این اساس در حوزه اجتماعی عناصری چون مصطفی تاج زاده با استفاده از موقعیت سیاسی خود در وزارت کشور و تأسیس و مدیریت حجم وسیع و متکثری از سازمان‌های به اصطلاح مردم نهاد(NGO) و در حقیقت دولت‌ساخته- شروع به شبکه‌سازی و سامان‌دهی یک بدنه اجتماعی گوش به فرمان کردند[2] که اگرچه اقلیتی بیش نبودند اما با بهره‌گیری از فضای نوپای مجازی و خلأهای قانونی موجود در این حوزه و با راه اندازی وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها، طنین صدای ناچیز خود را چندین برابر کردند و به آن سوی مرزها رساندند.

کاسبان تحریم کوچک‌ترین تحرکات بدنه اجتماعی گوش به فرمان خود را به شکل مبالغه‌آمیزی پوشش می‌دادند[3] و با انتشار مقالات و تحلیل‌های کذب و هدفدار از داخل کشور بر روی صفحات وب خوراک پرونده‌سازی‌های واهی حقوق بشری به وسیله سازمان‌های بین‌المللی را فراهم می‌آوردند. بدین ترتیب فشار سازمان یافته‌ای از بیرون مرزها بر ارکان حاکمیتی این نظام وارد کردند تا به قیمت وضع انواع تحریم‌ها و هجمه سنگین به نظام با چانه‌زنی در درون مرزها متاع قدرت را به دندان بگیرند و بر کرسی‌های حاکمیتی تکیه زنند.

امروز بخش قابل توجهی از فعالان مدنی، مطبوعاتی و سایبری آن روز پس از خروج از کشور در نهادهای دولتی آمریکا و انگلیس مشغول به کار شده و یا از طریق بودجه دولت‌های غربی تحت پوشش جایزه‌های بین‌المللی و بنیادهای خیریه ارتزاق می‌کنند.[4]

حالا به نظر می‌رسد تحولات فضای مجازی وارد فاز دیگری شده است. اگرچه سال‌ها از آن روزگار می‌گذرد اما همچنان اهرم تحریم به عنوان بخشی از سیاست «فشار از بیرون، چانه‌زنی در درون» مورد استفاده قرار می‌گیرد. اهرمی که از مهم‌ترین نقطه ضعف سیاست داخلی ما یعنی «وابستگی اقتصادی» قدرت می‌گیرد. امروز با رصد کردن تحرکات و آرایش جدید دلالان اقتصادی و سیاسی در فضای سایبر صحنه‌پردازی جدیدی قابل رؤیت است که کمترین نتیجه آن واگذاری زیرساخت کسب و کار فناورانه کشور به سرمایه‌داران خارجی است.

متأسفانه این نکته لازم به ذکر است که بخش قابل توجهی از مدیران کلان جمهوری اسلامی از بدو شکل‌گیری پدیده نوظهور فضای مجازی تا کنون هیچ اطلاع کامل و یا تحلیل جامعی از این پدیده نداشته و ندارند و در خوش بینانه‌ترین حالت صرفا با نگاهی منفعلانه تحولات این حوزه را به نظاره نشسته‌اند و یا خود به عنوان کاربر به مصرف محصولات این فضا پرداخته‌اند. در چنین شرایطی این مسئولان به دلیل عدم احاطه کافی بر موضوع، عنان کار را به دست مشاورانی نالایق و البته در برخی موارد نیز امین سپرده‌اند.

عدم وجود شناخت کافی در این حوزه سبب می‌شود دلالانی که تا دیروز بر حوزه نفت و گاز چنبره زده بودند و با حراج سرمایه‌های کشور قراردادهای خسارت آفرینی نظیر استات اویل و کرسنت را رقم زدند[5] حالا بوی پول را در فضای کسب و کار فناورانه استشمام کرده و از حوزه انرژی با چرخشی هدفمند به حوزه فناوری کوچ کنند و این بار زیرساخت فعالیت در این فضا را به ثمن بخس به سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی واگذار کرده تا از رهگذر این اقدام برای نسل جدیدی از تحریم‌ها در آینده‌ای نه چندان دور بسترسازی شود.

در این میان دست کم نام یک خانواده به صورت مشترک در تمامی فازهای پروژه فشار بر ایران با هدف تغییر سیاست‌ها، دیده می‌شود: خانواده نمازی؛ خاندانی که در کشاکش زلزله بم با غفلت مسئولان امنیتی وقت و به بهانه کمک‌رسانی پس از سال‌ها وارد کشور شدند[6] و با به راه‌اندازی تشکل‌های مردم‌نهاد همکاری صمیمانه‌ای را با وزارت کشور دولت اصلاحات شروع کردند.[7] آنها توانستند از اوضاع آشفته به وجود آمده پس از زلزله بم نهایت استفاده را ببرند و به بهانه اقدامات انسان‌دوستانه و کمک‌های بشر دوستانه پای نهادهای غربی را به داخل کشور گشوده و ارتباط این نهادها را با تشکل‌های مردم‌نهاد دولت ساخته اصلاحات تسهیل کردند.[8] این محمدباقر نمازی بود که در پوشش مؤسسه همیاران غدا، جمعی شامل برخی مسئولان وزارت کشور اصلاحات و فعالان رسانه‌های زنجیره‌ای را با هزینه بنیاد فردریش ایبرت به آلمان برد و خط ارتباطی رسانه‌های زنجیره‌ای با رسانه‌های غربی را بیش از پیش برقرار و برای این ارتباط تسهیل‌گری کرد.[9] در جریان شکل‌گیری قراردادهای کرسنت و استات‌اویل یک بار دیگر این خانواده نمازی بود که در قالب شرکت آتیه بهار دست به تسهیل‌گری ارتباطات در حوزه نفت و انرژی زد و شرکت‌های اروپایی را با هزینه‌ای ناچیز مشتری بلند مدت نفت و گاز ایران ساخت.[10]

اکنون در یک نقش آفرینی تازه یک بار دیگر شاهد حضور این خانواده هستیم تا سیامک نمازی به عنوان کارآفرین جوان پای پروژه پل را به ایران باز کند و در راستای همان سیاست‌های همیشگی این بار برای ارتباط بدنه کارآفرینی جوان کشور با نهادهای غربی و سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی تسهیلگری کند![11] از طرفی دیگر علیرضا امیدوار همکار خانواده نمازی در گروه آتیه[12] که سابقه نمایندگی کمپانی نفتی شل در ایران را نیز دارد[13]، ضمن شرکت مستمر و مداوم در کنفرانس‌های شبکه کارآفرینان جهانی موسوم به GEN با حمایت بنیاد آمریکایی کافمن پروژه استارتاپ ویکندهای تهران را راه‌اندازی می‌کند.[14]

از جمله خروجی این نقش آفرینی جدید تأسیس شرکت‌های فناورانه است که تمام و یا بخش قابل توجهی از سهام آنها در اختیار سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی قرار دارد.[15] در برخی موارد شرکتی توسط اعضای ایرانی‌الاصل تشکیل و به ثبت رسمی می‌رسد و پس از مدتی با یک خیمه شب بازی، تمامی سهام آن به شرکت‌های اروپایی واگذار می‌شود.[16] این شرکت‌ها که بخش اصلی فعالیت‌هایشان را به کسب و کار فناورانه اختصاص داده‌اند، توانسته‌اند با راه‌اندازی و خرید نرم‌افزارها، درگاه‌ها و تارنماهای اینترنتی متعدد در متن زندگی مردم ورود کرده و بخشی از نیازهای روزمره آنان را برطرف کنند.[17] از سوی دیگر با تکیه بر سرمایه کمپانی‌های غربی و در نبود سرمایه‌گذاری و حمایت داخلی، ایده‌های بکر و ناب جوانان ایرانی را به قیمتی ناچیز خریداری و پس از پرورش و توسعه، آن را تبدیل به بازاری جدید برای کاربران ایرانی کنند،[18] بازاری با مدیریتی وابسته به بنگاه‌های غربی! مسلما برآوردن نیازهای مردم امری مذموم نیست اما واگذاری بستر این فرآیند به کمپانی‌ها و سرمایه‌داران خارجی در آینده‌ای نه چندان دور نظام اسلامی را به شدت آسیب‌پذیر خواهد ساخت.

با توجه به سوابق دلالان اقتصادی و سیاسی فعال شده در حوزه فضای مجازی و با توجه به بنیادهای به اصطلاح خیریه اروپایی و آمریکایی حامی این فعالیت‌ها نظیر کافمن که می‌دانیم هرگز برای مردم ایران دلسوزی نکرده و نمی‌کنند به نظر می‌رسد یک نبرد اقتصادی خاموش در حوزه فضای مجازی به جریان افتاده که دیر یا زود اثرات خود را در زندگی مردم نشان خواهد داد. این نکته را باید به خاطر بسپاریم که کسب و کار فناورانه تنها در یک دوره ۴ ساله از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ بیش از ۵۰ درصد در سطح جهان رشد کرد.[19] این روند با شتاب بیشتری تا به امروز ادامه یافته و پیش‌بینی می‌شود حجم معاملات این حوزه در سطح جهان در سال ۲۰۲۰ به یک تریلیون دلار برسد.[20] حالا تصمیم با مسئولان است که آیا می‌خواهند با اقدام و عمل مناسب حوزه نوپا و رو به رشد تجارت الکترونیک را از آفت وابستگی مصون بدارند و یا ترجیح می‌دهند در ملاقات‌های خصوصی با نمایندگان بنیادهای معلوم‌الحال اروپایی و آمریکایی در رستوران‌های شمال شهر ضمن ارائه گزارش عملکردشان، زیرساخت‌های حوزه ارتباط و فناوری را برای اجنبی فاش کنند![21]

*** منابع در دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان موجود است.**

طنز اجتماعی

چالش فیش حقوقی

■ مسعود بهرامی زاده

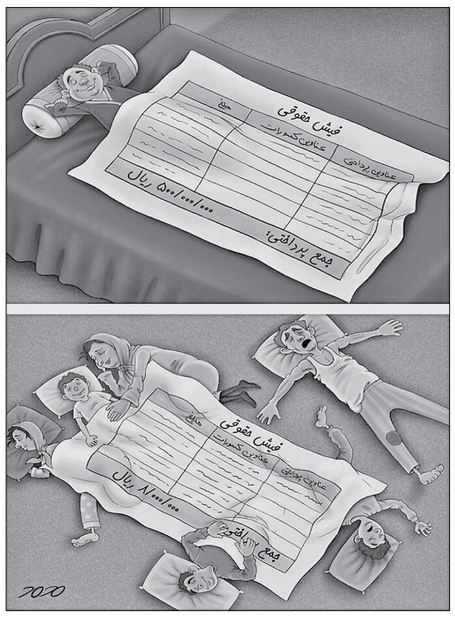

فیش حقوقی و کلا مبحث فیش‌های حقوقی از موضوعاتی است که انسان از همان آغاز خلقت _من الابد beginning - با آن در گیر بوده است و ذهن پر تلاطم و پرسشگر او را با خود درگیر می‌کرده است که آیا و چگونه می‌شود ویا اصلا داریم مردم؟!؟!؟!

جای بسی شگفتی است اینکه یک نوع مهجوری از آدمی زاد باشد که یک ماه فعالیت کند و ماحصل آن یک ماه تلاش و کارگری بشود اندک مایه‌ای وپول سیاهی و دیری نپاید که آن دسترنجش تا به خودش آید بر باد هوا رفته است و انگشت حسرت بر دهان می‌گزد و ندای «واحسرتا» سر می‌دهد و البته در این میان نوع دیگری از آدمی زاد هم باشد که ماحصل هر ماه کارش و زحمت کشیدنش وتعمّقش و عرق ریختنش زیر باد کولر گازی _ یا همان اسپیلیت_ بشود سرمایه یک عمرش_ یعنی آنچه به خواب هم نمی‌دیده است_ و این هدیه الهی بر او هر ماه کراراً ومکرراً تکرار شود و بر ودیعه الهی نزد او روز به روز تصاعدی اضافه شود _که باور کنید ما از زیانکارانیم اگر چشم نداشته باشیم خوشبختی کسی را ببینیم_ و حال این نوع برگزیده از بشری ممکن است وزیر الرعایا باشد یا مشاوری و مجاوری و هم کلامی از وزرا و بزرگان که قرار است دردش درد مردم و رعایای وی باشد . دردش بر سر ما بخورد_.

القصه سخن کوتاه کنیم که ای برادر بزرگ و ای صاحب منصب ریاست که فیش‌های حقوقی یک سال شما می‌شود به اندازه ثروت آبا واجداد ما از بدو خلقت تا هم اکنون وتصور همچنان سرمایه‌ای برای ما در خواب هم ممکن نیست صدالبته که چه کسی لایق تر از شما که از قدیم گفته‌اند و شنیده‌ایم که «هر آنکس که نان بیشتر دهد طبیعتا دهان گشادتر و دندان بیشتر هم خواهد داد» .

لکن حداقل انتظار آن است که در شرایطی که تحریم و سختی و کمبود رزق وروزی در میان قاطبه رعایا موج می‌زند آن هم از نوع مکزیکی‌اش به اندازه نانی که برای خود در نظر می‌گیرید دستی هم بچرخانید و گوشه‌ای از امور را به نحو احسنت به کار بیندازید. البته ما هم مثل شما شدیدا معتقدیم که دنیا «لهو و لعب» است و نباید چشم بر اموال دنیوی و ماشین‌های گران قیمت و ساخت دشمن و خانه‌های هکتار متری بست لکن تا هنگامی که خداوند متعال از ملائک بزرگوار بخواهد تا رخت ما را از این دنیا به جایگاه والاتر و حیات طیبه انتقال دهد ما واهل بیت ما باید امرار معاش کنیم و نانی به کف آریم و به غفلت نخوریم.

والعاقبه للمتقین.

فریب در روز روشن!

چند میلیون تومان برای چند ساعت مشاوره

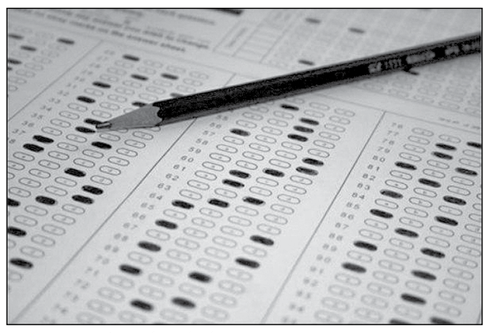

این روزها خانواده‌ها بیش ازدانش آموزان به قبولی فرزندانشان در کنکور اهمیت می‌دهند، آنقدرکه حتی به فرزندانشان فشار می‌آورند و به این ترتیب شیرین‌ترین سال‌های زندگی دانش‌آموز در استرس می‌گذرد.

تمام ۱۲ سال تحصیلی یک طرف، گرفتن نتیجه در کنکور که در یک روز و تنها در چند ساعت و چندین سؤال و تست برگزار می‌شود یک طرف، به نحوی که خانواده‌ها حاضرند هزینه‌های زیادی برای قبولی فرزندانشان بپردازند، حاضرند صرفه جویی‌های زیادی در زندگی کنند تا با دست گشاده برای قبولی فرزندانشان در کنکور پول خرج کنند و نخستین کاری که به ذهن والدین می‌رسد ثبت نام آنان در موسسه‌های آموزشی و کلاس‌های کنکور است.

در این میان اما موسسات سودجو تورشان را پهن کرده‌اند تا از آب گل آلود ماهی‌هایی بس بزرگ بگیرند و البته می‌گیرند. این موسسه‌ها به خوبی می‌دانند که قبولی دانش‌آموزان در کنکور برای والدینشان بسیار اهمیت دارد و آنان از هزینه‌کردن هیچ رقمی فروگزار نمی‌کنند.

با آغاز سال تحصیلی تبلیغات کتاب‌های کمک آموزشی و کنکور در تلویزیون، روزنامه‌ها و بیلبوردها شدت می‌گیرد. تبلیغاتی که در هنگام دیدن مسابقه فوتبال هم دست از سر خانواده‌ها و داوطلبان بر نمی‌دارد و در حاشیه زمین فوتبال به ویژه در بازی‌های مهمی همچون «دربی» دیده می‌شوند. تبلیغاتی که برای دیده شدن در یک برنامه پرمخاطب حاضرند میلیون‌ها یا میلیاردها تومان هزینه کنند. هزینه‌هایی که چند برابر آن از جیب خانواده‌ها تامین می‌شود.

چگونه در کنکور صد در صد بزنیم؟!

می‌توان جملات اقناع‌کننده بسیاری را در تبلیغات موسسات و مشاوران تحصیلی دید همانند «چگونه صددرصد بزنیم؟» «بدون شرکت در کلاس‌های اساتید بزرگ نمی‌توان نتیجه گرفت» «معرفی بهترین کتاب‌های تست زنی» «اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز دارای مقالات در ایران و جهان»، «اردوهای تست‌زنی» اینها تنها بخشی از تبلیغاتی است که در تلویزیون، بیلبوردهای سطح شهر، سایت‌ها و روزنامه‌ها می‌بینیم.

تبلیغاتی که مخاطب را اقناع می‌کند که بدون شرکت در کلاس‌های آموزشی، خرید کتاب‌های کمک آموزشی و تست زنی و مشاوره قبولی در دانشگاه میسر نمی‌شود و هرکه پول بیشتری بدهد قبول شدنش تضمین شده‌تر است.

یک میلیون و ۷۰۰ برای مشاوره در یک ماه

یکی از مشاورهای کنکوری که مشهوریت خود را مدیون رپورتاژآگهی‌های روزنامه و رادیو است تنها برای یک ماه مشاوره تلفنی مبلغ یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند.

این مشاور می‌گوید: تنها برای یک ماه و فقط برای دروس تخصصی این مبلغ باید پرداخت شود و مبلغ دروس عمومی جدا حساب می‌شود.

در حالی که کمتر از یک ماه به برگزاری کنکور سراسر مانده است این مشاور تمام وقت‌هایش پر است و دوستان خود را برای مشاوره به متقاضیان معرفی می‌کند که مبلغی مشابه دریافت می‌کنند.

به راستی چه کاری از این ساده‌تر که در طول یک ماه روزی حدود نیم ساعت یا یک ساعت به دانش‌آموزی مشاوره بدهی و در نهایت یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به جیب بزنی. در نهایت هم اگر دانش‌آموز در کنکور قبول نشد، پاسخشان به والدین این است که فرزندتان تلاش کافی نکرده یا اینکه فرزندتان هوش لازم را ندارد.

جالب اینکه همین مشاور کنکور برای یک سال مشاوره کامل چیزی حدود ۱۰ میلیون تومان از والدین دانش‌آموزان مطالبه می‌کند و این رقم وقتی در تعداد گیرنده‌های مشاوره ضرب شود می‌توان متوجه شد که چرا این مراکز هزینه‌های سرسام آور تبلیغاتی را متقبل می‌شوند و تمام رسانه‌ها را برای تبلیغ خود به کار گیرند.

تاثیر هزینه بر قبولی در دانشگاه همیشه مثبت نیست

خانم شیخی که فرزندی کنکوری دارد می‌گوید: سال گذشته دخترم را برای آمادگی در کنکور در یک مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کردم که کلاس‌های کنکور برگزار می‌کرد، وعده‌هایی مبنی بر برگزاری آزمون داده بودند که پس از گذشت چند ماه از سال تحصیلی از آزمون نیز خبری نشد و کیفیت آموزش‌ها بسیار پایین آمد، در نهایت دخترم در دانشگاه آزاد، رشته زبان انگلیسی مقطع کاردانی پذیرفته شد رشته و دانشگاهی که اگر هزینه هم نمی‌کردم پذیرفته می‌شد. شرکت در کلاس‌های کنکور تنها زیان مالی برای ما داشت. در حال حاضر نیز از استرس و فشارهای زیادی که به فرزندم وارد کردم پشیمانم، دختر دیگرم نیز سال سوم دبیرستان است برای او دیگر هزینه‌ای نکردم تا با خواندن کتاب‌های درسی به جای جزوه خواندن اساتید کنکوری در کنکور نتیجه بگیرد.

مشاوره و منابع موسسات کنکور معتبر نیست

دبیر شورای عالی آموزش وپرورش می‌گوید: دانش‌آموزان باید با راهنمایی معلم و محتواهای کتاب‌های درسی در کنکور سراسری شرکت کنند. بخشی از مشاوره‌ها و منابعی که در اختیار دانش‌آموزان از طریق موسسات قرار می‌گیرد معتبر نیست.مهدی نوید ادهم تصریح کرد: بارها دیده‌ایم دانش آموزانی که محتوای درسی خود را عمیق مطالعه کرده‌اند موفقیت بیشتری داشته‌اند.

نگاه درآمدزایی رسانه ملی به تبلیغات کنکوری

نوید ادهم تاکید کرد: متاسفانه رسانه ملی تنها از منظر درآمدزایی به تبلیغات کتاب‌های آموزشی غیراستاندارد نگاه می‌کند اما ما از منظر تربیتی به مسائل و تاثیری که بر روی دانش‌آموزان دارد نگاه می‌کنیم که همین تفاوت نگاه موجب اختلاف میان ما و رسانه ملی شده است.

با گسترش شبکه‌های اجتماعی، تبلیغات موسسات و مشاوران تحصیلی نیز بیشتر شده است و صفحه‌ها و کانال‌هایی در اینستاگرام و تلگرام از سوی آنان راه‌اندازی شده است که جزوات خلاصه و فایل‌های صوتی دروس را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند و دانش‌آموزان را تشویق به دریافت مشاوره تلفنی و آزمون‌هایی مبحثی می‌کنند. مشاوره‌هایی که دانش‌آموزان باید هزینه‌های میلیونی برایش پرداخت کنند.

ناگفته نماند یکی از دلایل اعتراضات دانش‌آموزان به سختی امتحانات نهایی سال ۹۵ خواندن جزوات اساتید به جای کتب درسی برشمرده شده است.

منبع: خبرگزاری مهر

مراسم احیای شب قدر در زندان اوین

مراسم احیای شب‌های قدر در زندان اوین حال و هوای دیگری دارد آنجا که جانباز شیمیایی به علت بدهی ۴/۵ میلیون تومانی و مردی با بدهی ۳ سکه‌ای مهریه پشت دیوارهای سرد و بی‌روح این زندان قدیمی صبح را به شب می‌رساند.

اینجا زندان اوین است، جایی که وقتی نامش را می‌شنویم ناخودآگاه به یاد زندانیان خاصی می‌افتیم که در جریان یک رخداد سیاسی یا اقتصادی نامشان بر سر زبان‌ها افتاده و تیتر یک رسانه‌ها شده‌اند.

جایی که زمانی لقب «هتل» را به خود گرفت غافل از اینکه در همین زندان، افرادی تنها به خاطر ۲ میلیون تومان بدهی یا ۳ سکه مهریه روز خود را پشت دیوارهای بلند اوین به شب می‌رسانند و در شبی به نام قدر با چشمانی پر از اشک آزادی خود را از خدا طلب می‌کنند.زندان اوین در شب نوزدهم ماه رمضان شاهد اشک‌های زندانیانی بود که از بودن در بند به تنگ آمده بودند و در میان الغوث و العفو خود، رهایی و گشایش در کارشان را از صاحب این شب می‌خواستند.

۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بهای آزادی جانباز شیمیایی از اوین

حاج علی ۵۴ ساله را گوشه حسینیه مشغول خواندن دعای جوشن کبیر دیدم، به سختی نفس می‌کشید و با صدایی پر از بغض و دستانی لرزان «خلصنا من النار یا رب» را زمزمه می‌کرد.

در عملیات کربلای ۵ شیمیایی شده بود و حالا بابت ضمانت یکی از دوستانش به زندان افتاده بود.

وقتی پرسیدم از خدا چه می‌خواهد گفت: فقط آزادی و سلامتی را طلب کردم، بعد با چشمانی پر از اشک ادامه داد: می‌خواستم ثواب کنم کباب شدم و حالا برای ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در زندان مانده‌ام و از کسی هم که ضمانتش را کرده‌ام هیچ خبری ندارم.

دوست دارم سال آینده در مسجد ارگ باشم

کمی آن طرف‌تر پسر جوانی مشغول پخش خرما بود، ۲۰ سال بیشتر نداشت و به دلیل عدم پرداخت دیه ناشی از تصادف رانندگی به زندان آمده بود.

وقتی از او در مورد وضعیت‌اش پرسیدم، گفت: قبلا به خاطر سن کمی که داشتم در کانون اصلاح و تربیت بودم و حالا ۵ ماه است که به اینجا آمده‌ام.

با موتور به یک پیرمرد ۸۰ ساله زدم، خانواده متوفی با دریافت ۵۰ میلیون حاضر به رضایت شدند، ستاد دیه ۴۵ میلیون تومان را تأمین کرد اما الان به خاطر ۵ میلیون تومان باقی مانده در زندان مانده‌ام.

محسن ۲۰ ساله بزرگترین آرزویش را آزادی می‌داند و می‌گوید: دوست دارم زودتر از اینجا خلاص شوم و سال بعد شب قدر را با خانواده‌ام به مسجد ارگ بروم.

همسرم از ۳ سکه هم نگذشت

علی آقا پریشان بود و قرآن به دست خدایش را به علی و آل علی قسم می‌داد برای آزادی، کنارش نشستم، از وضعیت‌اش سوال کردم، بغض امانش نداد و با گریه گفت: خجالت می‌کشم که اینجا هستم.

قرآن را بست و ادامه داد: زمانی که همسرم تصمیم به طلاق گرفت قرار شد به غیر از خانه‌ای که به نامش کردم ماهانه یک سکه هم بپردازم، اما متأسفانه مشکلات مالی ناتوانم کرد و بعد از سه ماه به دلیل تأخیر در پرداخت سکه حکم جلبم را گرفت.علی‌آقای ۶۰ ساله با حسرت به پنجره نگاه کرد و گفت: دلم برای بچه‌هایم تنگ شده، تو هم جای دخترم، برایم دعا کن.

منبع: farsnews.com

عکس نوشت

افطاری ساده

یک سنت خوب، افطاری دادن‌های ساده و بی‌پیرایه در مساجد و در خیابان‌هاست که بسیار کار شایسته‌ای است.

رهبر انقلاب (۱۳۹۲/۵/۱۸)

آسیب‌های اجتماعی بانگاهی به قانون‌گریزی

به اعتقاد کارشناسان غیرممکن است جامعه‌ای بدون معتبر دانستن قانون و مقررات به رشد و توسعه پایدار نایل آید، زیرا دوام و قوام هر جامعه‌ای به حفظ نظم اجتماعی آن جامعه بستگی دارد و نظم اجتماعی میسر نخواهد شد مگر اینکه هنجارهای تعریف شده جامعه مورد احترام افراد واقع شود.

بی‌گمان قانونمداری و احترام به قانون سنگ بنای شکل‌گیری جامعه مدنی و توسعه پایدار است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد توسعه پایدار و دستیابی به زندگی مطلوب هرگز با اقداماتی خود سرانه و نادیده انگاشتن قانون سازگار نیست. رفع تبعیض از جامعه و مرجح داشتن ضوابط بر روابط، احترام به قانون و مقررات، ارزش شمردن رعایت قانون و ضد ارزش دانستن قانون‌شکنی و در نهایت تقویت اقتدار ملی از جمله مفاهیمی هستند که رهبر معظم انقلاب بارها در مناسبت‌های مختلف برآن تاکید کردند و آحاد مردم و مسئولین را نسبت به رعایت این اصول توصیه نمودند.

قانون‌گریزی از نگاه رهبر انقلاب

قانون، راه پیشرفت کشور را هموار می‌کند و چنانچه برخی قوانین ایراد یا با یکدیگر تعارض دارند، باید آنها را اصلاح کرد اما بنده به هیچ وجه قانون‌گریزی را قبول ندارم. علت قانون‌گریزی- که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ این سوالی مهم و اساسی است که رهبر معظم انقلاب در سفر به استان خراسان مطرح کردند. سوالی که اندیشیدن به آن و یافتن پاسخ موجه برای آن می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی- سیاسی کشور را حل کند. معظم‌له همچنین در دیدار اخیر خود با مسئولان قوه قضائیه به قانون‌گریزی با رویکرد پایبندی ناکافی به قوانین اشاره داشتند.

بی‌تردید استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است و قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی از انسان‌ها روی از قانون برمی‌گردانند و قانون‌شکنی می‌کنند. اما قانون چیست که گریز از آن می‌تواند نظم جوامع را درهم شکند؟به راستی چرا در جامعه ما میل به قانون‌گریزی بیش از رعایت قانون است؟

به نظر می‌رسد ریشه‌های میل به قانون‌گریزی افراد در جامعه را باید در نوع تربیت اجتماعی و مدنی افراد جست‌وجو نمود. باید اعتراف کرد که ما در طول سال‌های گذشته هرگز نیامده‌ایم و یا بهتر بگویم نتوانسته‌ایم ارزش‌ها و مزایای رعایت قانون را در جامعه نهادینه کنیم. از سوی دیگر افراد جامعه همیشه شاهد این روند نامطلوب بوده‌اند که عده‌ای با سوءاستفاده از قانون به مال و مقامی فراتر از شأن اجتماعی خود رسیده‌اند که این امر خود بزرگترین عامل قانون‌گریزی است.

یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین علل قانون‌گریزی افراد و شهروندان در جامعه؛ عدم اجرای قانون به طور مساوی برای همگان است. به بیان دیگر علت اصلی قانون‌گریزی افراد در جامعه نگاه تبعیض‌آمیز مجریان قانون است. در واقع میل به قانون زمانی به عنوان یک ارزش در جامعه شکل می‌گیرد که اجرای آن برای همگان یکسان باشد. متأسفانه قانون‌گریزی در جامعه ما تبدیل به یک ارزش شده به گونه‌ای که امروزه رعایت قانون و تن دادن به آن به مثابه ساده لوحی محسوب می‌شود و عبور از قانون به عنوان زرنگی!!

علل قانون‌گریزی

نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد بین قانون‌گریزی و ویژگی‌های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش سطح تحصیلات افراد گرایش به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نیز بیشتر می‌شود. همچنین هرچه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی بیشتری برخوردار باشند گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می‌یابد. جرایم گروه‌های کم‌درآمد و محروم جامعه را می‌توان بر این اساس تبیین کرد. در این تحقیق نمونه‌هایی که دارای مشکلات اقتصادی بوده گرایش کمتری به قانون‌پذیری داشتند.

شرایط آنومیک (بی‌هنجاری) بر میزان قانون‌گرایی اثر منفی می‌گذارد. به صورت تجربی می‌توان گفت بین دو متغیر عدم وجود هنجار، قواعد حقوقی و قانون‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد. به طوری که هر اندازه شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن و واضح برخوردار باشد گرایش به پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش می‌یابد. بر اساس این دو فرضیه اگر نهادهای مسئول بتوانند نقش و تأثیرات مثبت آموزش خودشان را در ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم و کافی به افراد ایفا کنند و چگونگی زیستن در اجتماع را به درستی بیاموزند و از طرف دیگر آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به افراد داده شود می‌توان انتظار داشت قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در جامعه نهادینه شود و میزان گرایش و پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش یابد.

بین نظام حقوقی (مبتنی بر اعتقادات، باورها، گرایش‌ها، تمایل‌ها و نگرش‌ها) با قانون‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت تجربی این فرضیه در سطح خرد بین دو آزمایش شده است بر این مبنا لازم « قانون‌گرایی» و «تحمیلی و اجباری بودن قوانین» متغیر است. قانون‌گذاران با درک صحیح از شرایط زمانه، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و جهان و با در نظر گرفتن گرایش‌ها، تمایل‌ها، باورها و نگرش‌های مردمی قوانین پویا و قابلیت اجرایی را وضع کنند. در چنین صورتی است که می‌توان انتظار داشت میل و گرایش مردم به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نزد مردم افزایش یابد.

سخن آخر

احترام به قانون و اجرای درست آن بیش از هر اقدام و نظری که شائبه بهره‌برداری‌های جناحی از آن برآید، منافع جامعه را دربر دارد. اقتدار یک دولت تنها در اجرای قانون و پذیرش آن از سوی عموم افراد جامعه حاصل خواهد شد. بدیهی است که این اقتدار در قدم اول مستلزم برقراری ارتباطی صمیمانه، مسئولانه و دلسوزانه میان همه قانون‌گذاران، مجریان و ضابطین آن می‌باشد. امید است با ترویج فرهنگ قانونگرایی و احترام همگان به اصول مصرحه قانون، جامعه و زندگی شهروندان بیش از پیش مسیر توسعه و تعالی را طی نماید.

پژوهش خبری صدا وسیما_ مرتضی رکن‌آبادی

سرویس اجتماعی روزنامه کیهان از ارسال مطالب و مقالات مفید اساتید، پژوهشگران، دانشگاهیان و عموم خوانندگان گرامی در حوزه موضوعات اجتماعی استقبال می کند.

آدرس پست الکترونیکی:ejtemaee@kayhan.ir
تلفن تماس: ۳۳۱۱۰۲۰۰-۳۵۲۰۲۲۳۷